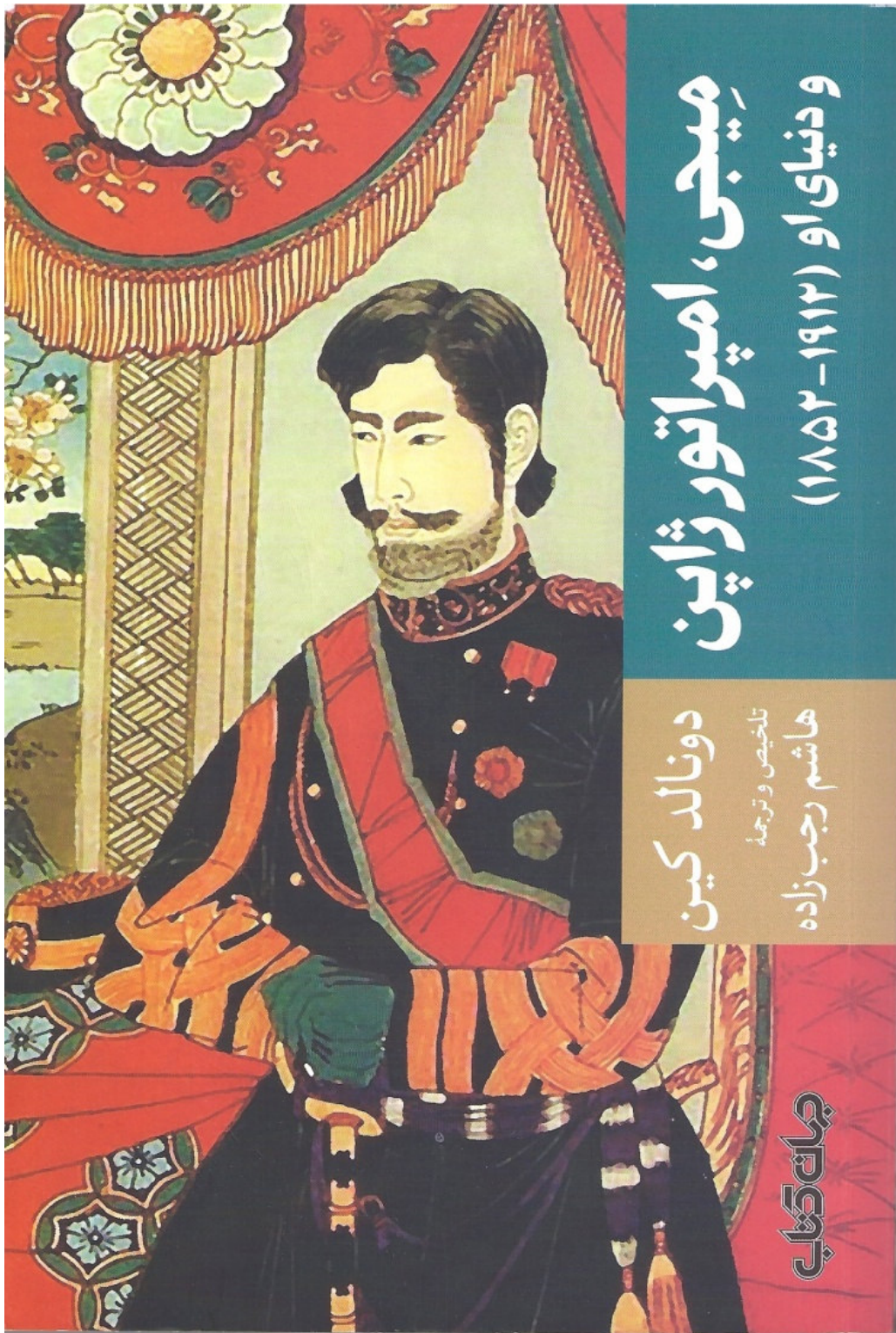


جنبش تجددخواهی در ژاپن (۱۸۶۸ - ۱۹۱۲)

جمشید جمشیدی



فهرست

رویه

۳ پیش گفتار

۳ عصر ژاپن در حصار

۴ گشایش دروازه های کشور و روند تجددگرائی ژاپن

ژاپن در منازعات با کشورهای مجاور

۹ جنگ با چین

۱۰ جنگ با روسیه

۱۰ تحت الحمایگی کره

۱۲ نقشه ژاپن

۱۳ گاهشمار وقایع سیاسی، اجتماعی میجی

۱۵ منابع

پیش گفتار

چندی پیش در ملاقاتی که با استاد ارجمند آقای دکتر هاشم رجب زاده داشتم، ایشان محبت کردند یک جلد کتاب تحت عنوان میجی امپراتور ژاپن (۱۹۱۲-۱۸۵۲) نوشته دونالد کین (Donald Keene) آمریکائی را جهت مطالعه بمن لطف کردند. این کتاب توسط خود ایشان از زبان انگلیسی به فارسی برگردانده شده است و در سال ۱۳۹۶ توسط موسسه فرهنگی-هنری جهان کتاب در ایران به چاپ رسیده است. کتاب حاوی ۳۵۲ صفحه به همراه ۱۷ صفحه تصویر (اکثرأ نقاشی) می باشد (نک به نمای روی جلد کتاب در زیر).

کتاب مزبور به بیانی به سبک وقایع نگاری سالانه از سال ۱۸۵۲ سال تولد امپراتور میجی تا مرگ وی در تاریخ ۱۹۱۲ نگاشته شده است!

اگر چه در این کتاب جای تحلیل و ارزیابی از قول ها و اهداف اولیه دستگاه حکومتی میجی خالی است به هیچ وجه از اهمیت آن در بررسی های مفصل وقایع تاریخی زمان بندی شده این کشور کاسته نمی شود.

جنبش تجددخواهی عصر میجی در سال ۱۸۶۸ میلادی پس از حکومت ۲۶۰ و اندی سال باکوفو^۲ با پیش گامی امپراتور ۱۶ ساله شروع می شود، و اگر چه عصر میجی با مرگ امپراتور در سال ۱۹۱۲ میلادی به پایان می رسد اما هرگز ماشین توسعه اقتصادی ژاپن در جهت مدرنیزاسیون کشور از حرکت باز نمی ماند.

پیش از ورود به کش و قوس های بسیار در روند تجددخواهی عصر میجی نیاز است به گونه اجمالی به حکومت باکوفو که بستر شکل گیری و رشد حرکات تجددخواهی را اجتناب ناپذیر نموده بود به پردازیم.

عصر ژاپن در حصار

حکومت باکوفو (ادوباکوفو هم می گویند) به مدت ۲۶۵ سال از تاریخ ۱۷۶۳ تا ورود به عصر میجی ادامه داشت. با وجود امپراتور در راس هرم ساختار اجتماعی اما حکومت باکوفو با فرمانروائی مرکزی و قدرتمند شوگون^۳ ها (سپهسالار) اداره می شد، اگر چه ولایات از قدرت استقلال بسیار برخوردار بودند. شورش های محلی و نافرمانی در برابر قدرت مرکزی بسیار اتفاق می افتاده است. به عبارتی یک سلطه خان خانی یا ملوک الطوائفی قدرتمندی برقرار بوده است. در طول حکومت باکوفو ۱۵ شوگون فرمانروائی کرده است. نظام اقتصادی نوع فئودالی تحت روابط میان مالک و کشاورز و تمرکز روی تولیدات کشاورزی از شاخص های این عصر است. اشاعه ادیان دیگر از جمله عیسویت و پخش نوشته و کتاب های آن ها ممنوع بوده است. در مقابل باورهای سنتی آئین شینتوی ژاپنی و آموزش های کنفسیوسی چین روبنای روابط اجتماعی یا به عبارتی منبع اخلاق و فرهنگ غالب در جامعه بوده است. شاخصه دیگر جامعه باکوفو ممنوع کردن ورود خارجی ها و ایجاد یک حصار سترگ در اطراف ژاپن بوده است. اگر چه در سال ۱۶۰۹ میلادی تنها استان ناگاساکی در جنوب ژاپن قرارداد تجارت با تجار هلندی را در این استان منعقد می کند. ستاد فرمانروائی شوگون در پایتخت (ادو یا توکیو) ورود هر خارجی و معاهده با آن ها را در ژاپن ممنوع اعلام می کند. خود ژاپنی ها هم از آزادی تماس با خارجی ها یا سفر به ممالک خارج هم ممنوع بوده است. این سیاست بدون تغییر تا اواخر عصر باکوفو ادامه داشته است. شاخصه دیگر عصر باکوفو طبقه بندی اقشار مردم بوده است. با الهام از آموزش های کنفسیوسی

۱ نام امپراتور قبل از تاج گذاری که به میجی معروف می شود **موتسو هیتو** بوده است. محل تولد (Mutsu-hito)睦仁

۲ 幕府 (Bakufu)

۳ 將軍 (Shogun)

افشار مردم به قشر دیوانسالاران یا کارمندان سازمان های دولتی، کشاورزان، صنعت گران و بازرگانان طبقه بندی می شده است. طبقه بندی افشار بر حسب اهمیت و ارزشمندی اجتماعی آن ها صورت می گیرد و در این بین قشر بازرگانان پست ترین قشر، به عبارتی از کمترین اهمیت برخوردار بوده است. حکومتگران باکوفو بر این باور بودند که خارجی ها کارشان تجارت محض و مال اندوزی هدف نهائی آن ها است، بنابراین شایسته نیست وجودشان در خطه سرزمین مقدس ژاپن پذیرفته شود. خارجی ها را قوم وحشی و بربر(رواج واژه سخیف "جو ای"^۴) می نامیدند. این دیوانسالاران حتی جسم "پول" را شایسته باورهای خود نمی دانستند، به کارمندان خود به عنوان دستمزد بجای پول تولیدات کشاورزی می دادند. بی شک وجود کالا در دست هر کسی میدان تحرک اجتماعی او را محدود می کند. بی دلیل نیست که مشاهده شود کارمندان، که بیشتر از قشر سامورائی ها بودند فقیرتر از هر قشر دیگر بودند. این دستورالعمل حکومت در جهت تقویت روح ساده زیستی، بی توقعی و فداکاری بشمار می آمده است. و اما چه گونه شد که ژاپن مجبور به باز کردن دروازه های خود بروی خارجی ها شد. در دنباله نشان خواهیم داد که این خارجی ها بودند که ژاپنی ها را وادار کردند دروازه های خود را بروی آن ها باز کنند تا به راحتی بتوانند پای بر روی سرزمین خدایان آن ها بگذارند تا تجارت خارجی را رونق ببخشند.

گشایش دروازه های کشور و تجددگرایی ژاپن

در اواخر حکومت باکوفو در سال ۱۸۵۳ برای اولین بار ناوگان پری وارد بندر "اوراگا"^۵ می شود و ژاپنی ها را دعوت به باز کردن دروازه های کشور می نماید. چندی بعد کشتی روسی با ادعای یکسانی وارد آب های ژاپن می شوند اما ژاپنی ها پاسخ مناسبی به هیچکدام آن ها نمی دهند. در عوض برای جلوگیری از نیروهای خارجی سفارش ساخت کشتی های جنگی را به هلند می دهند. آن ها تصمیم می گیرند با زور و ابزار جنگ به مقاومت در مقابل خارجی ها بپردازند. در سال های بعد ورود کشتی های خارجی در سواحل ژاپن افزایش می یابد. آن ها همچنان به ژاپن فشار می آورند تا درهای بسته را بروی خارجی ها بگشاید تا بدینوسیله تجارت خارجی رونق یابد. کار بجائی می کشد که ژاپن را تهدید به جنگ می کنند. اگرچه چند قرارداد با خارجی ها توسط شوگون ها بسته می شود ولی امپراتور وقت، "کومی" (پدر میجی) با آن ها مخالفت می کند و نجس شدن سرزمین مقدس خدایان را با ورود خارجی ها به هیچ عنوان نمی پذیرد...

در سال ۱۸۶۳ میلادی امیر(فرمانروای) ایالت یاماگوچی(چوشوو)^۶ با آگاهی از تصمیم دربار در باره راندن خارجی ها از ژاپن چند کشتی خارجی را به توپ می بندد. اولین کشتی متعلق به آمریکا و دیگر کشتی ها متعلق به فرانسه و هلند بودند. از آن جایی که این حمله برای خارجی ها بسیار گران آمده بود در سال بعد به یکباره چهار کشتی از کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه و هلند بندر جنوبی شیمونسکی^۷ ژاپن را به توپ بستند.

در نهایت، قدرت های حاکم از جمله دربار، سپهسالار، امیران ایالات به این نتیجه رسیدند که در مقابل نیروهای خارجی تاب مقاومت نمی آورند، بهتر است از در سازگاری در آیند اما در مقابل سعی در تقویت نیروی دفاعی دریائی خود بکنند. سه نیروی عمده ولایتی، چوشوو(شهر یاماگوچی) و ساتسوما^۸(شهر کاگوشیما) و هی زن^۹(شهر ساگا) تصمیم

4 叙位 (Joi)

5 浦賀 (Uraga)

بندر اوراگا در دهانه خلیج توکیو قرار دارد.

6 長州 (Choshu) = Yamaguchi

7 下関 (Shimonoseki)

شهر بندری در منتهالیه غربی جزیره هونشو در استان یاماگوچی

8 薩摩 (Satsuma)

شهر کاگوشیما در جزیره کیوشو(نک نقشه ژاپن در صفحه انتهائی)

9 肥前 (Hizen)

شهر ساگا در جزیره کیوشو(نک نقشه ژاپن در صفحه انتهائی)

گرفتند با همکاری هم به نبرد با حکومت سپسالار مرکزی بپردازند و پس از شکست آن، قدرت را به امپراتور و خواسته‌هایش بازگردانند.

امپراتور کومی^{۱۰} (پدر میچی) در سال ۱۸۶۸ میلادی در سن ۳۶ سالگی بر اثر بیماری آبله فوت می‌کند و پسرش امپراتور میچی در سن ۱۶ سالگی در ۱۲ سپتامبر همان سال بجای پدر تاج بر سر می‌گذارد. با جلوس امپراتور جدید جنبش تجددخواهی در ژاپن آغاز می‌گردد.

امپراتور میچی در سال‌های اولیه صدارت خود به جهت سوق دادن کشور بسوی تجدد میثاق نامه پنج ماده‌ای خود را به قرار زیر اعلام می‌کند.

- ۱- مجامع بحث و مشاوره وسیعاً ایجاد می‌شود و در همه امور با بحث عمومی تصمیم گرفته خواهد شد،
- ۲- همه قشرها، از عالی و دانی، به اتفاق هم امور عمومی را با قدرت اداره خواهند کرد،
- ۳- مردم عامه، در پایه ماموران لشکری و کشوری، اجازه خواهند یافت که خواست قلبی خود را دنبال کنند، به گونه‌ای که دیگر کسی ناراضی نباشد،
- ۴- آداب و رسوم ناپسند گذشته منسوخ خواهد شد و همه چیز بر قانون عدل طبیعت قرار خواهد گرفت،
- ۵- دانش در همه جهان پی گرفته خواهد شد تا از این راه پایه‌های حکومت امپراتوری مستحکم شود.

اگر چه این میثاق به نام امپراتور اعلام می‌گردد اما قدر مسلم است که امپراتور ۱۶ ساله و بدون تجربه اجتماعی سیاسی لازم، قادر نبوده است که چنین میثاقی را مستقیماً طراحی و تدوین کرده باشد. خوش بختی امپراتور در داشتن اطرافانی خردمند و هوشیار بوده است که او را در تصمیمات سیاسی و اجتماعی یاری دهند. اما طبق اخباری که از شخصیت‌های دربار درز داده شده است امپراتور در ارتقای شعور فرهنگی و اجتماعی خود در زمینه‌های گوناگون بسیار کوشائی نشان می‌داده است.

این میثاق نامه علاوه بر این که مورد توافق و امضای خیل بزرگی از امیران ولایات (دای میوها) قرار می‌گیرد، عامه مردم هم با عقبه درک دینی سنتی از اهمیت موجودیت امپراتور و نقش او به عنوان فرستاده و فرزند خدایان بر روی زمین از میثاق یادشده استقبال کردند. بی شک هر خواننده پی‌گیر مشتاق خواهد بود تا نتیجه تلاش‌های دستگاه حکومت جدید را که امپراتور در راس هرم سیاستگزاری آن قرارداده شده است را تبیین کند. آیا تلاش‌های حکومت در جهت حمایت و حقوق بلامنازع ملت خواهد بود یا نه؟

امپراتور علاقه بسیار به سرودن شعر و اسب سواری نشان داده است و از طرفی تحت آموزش آموزگاران خود به فراگیری آموزه‌های کنفوسیوسی و باورهای سنتی آئین شینتوی ژاپن قرار می‌گرفته است. موتادا ناگازانه برای بیست سال معلم و مشاور بی‌همتای امپراتور بوده است. نامبرده کارشناس و باورمند به آموزش‌های کنفوسیوسی بوده است و شدیداً فرهنگ و اخلاقیات غربی‌ها را تقبیح می‌کرده است. موتادا در سال ۱۸۹۱ به انفلوانزا مبتلا می‌شود که سبب مرگ وی شد. پس از او هم امپراتور کسی را جای‌گزین او نکرد. امپراتور به امر آموزش بسیار توجه داشته است و در سفرهای بسیار که به شهرهای مختلف می‌کرده است از دبستان‌ها دیدن می‌کرده و دانش‌آموزان را مورد تشویق قرار می‌داده است. در برخی از مدارس آواز به زبان انگلیسی برای امپراتور می‌خواندند. سفرهای بی‌شمار امپراتور به اکناف کشور به هدف القای این حس که امپراتور هم از جنس آن‌ها و برای منافع و آزادی آن‌ها در مسند قدرت قرار می‌گیرد اجرا می‌شد. به استناد گزارش‌ها امپراتور در میان مردم بسیار محبوبیت داشته و تجلی او حیات بخش باورهای سنتی امپراتور فرزند خدا بر روی زمین بوده است.

حکومت امپراتوری تجدد و پیشرفت کشور را در گروهی موفقیت‌سه‌عامل صنعت، آموزش و تقویت قدرت دفاعی کشور

10 教明天皇 (Kumei-Tenno)

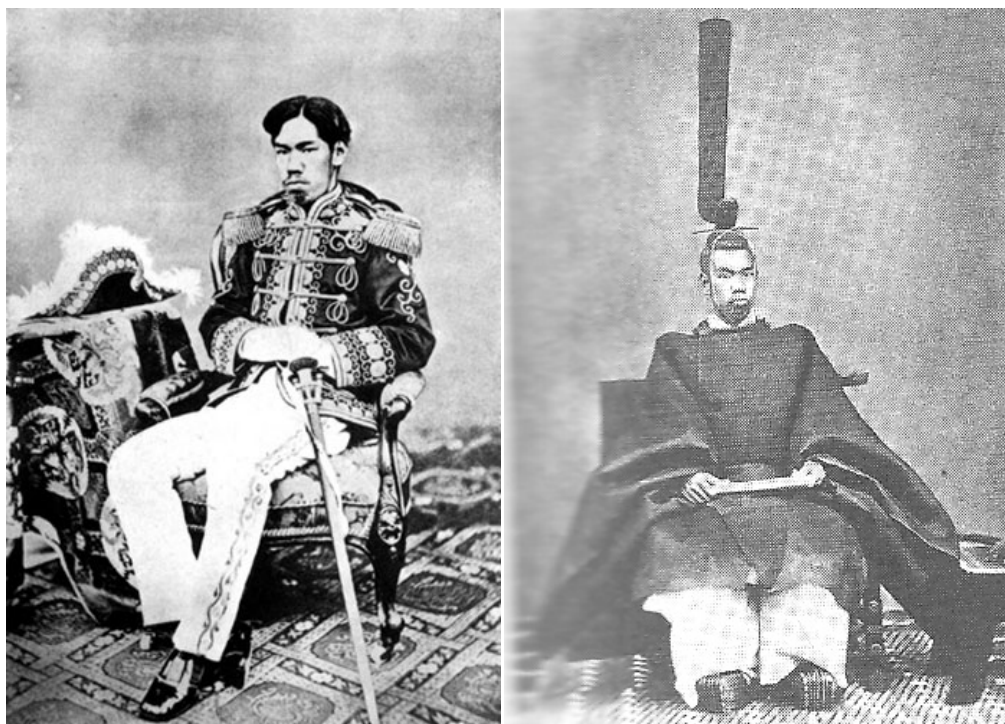
می دانسته اند.

در جهت سواد آموزی در سال ۱۸۷۹ لایه آموزش ملی در ۲۷ ماده آماده شد. طبق لایه آموزش اجباری هر کودک باید بر حسب شرایط خود از شش سالگی به مدت هشت سال در گونه ای از انواع مدرسه ها به سوادآموزی بپردازند. نظام آموزشی با کپی برداری از نظام آموزشی فرانسه انسجام بخشیده بود اما همچنان اخلاقیات کنفوسیوسی در آن گنجانیده شده بود. وفاداری به امپراتور و میهن و احترام خاص برای پدر و مادر قائل شدن، بخشندگی و صداقت از اجزای اخلاقی بودند که در برنامه های آموزشی لحاظ شده بود. زبان انگلیسی را هم در برنامه آموزشی مدارس گنجانیده بودند در حالی که معادل های ژاپنی واژه ها هنوز غایب بود.

یکی از حرکت های سیاسی مهمی که در عصر میجی در جهت تسریع روند تجددخواهی و تحقق مواد میثاق امپراتور انجام گرفت الغای رژیم خان خانی و امیر نشین ها و ایجاد استان ها بود. قابل توجه است که بدانیم در ژاپن قبل از میجی حدود

۳۰۰ منطقه حکمرانی مستقل وجود داشته است که باید ملغی شده و از رژیم امپراتوری مرکزی تابعیت کنند. اگر چه پس از الغای آن ها و ایجاد تقسیم بندی های استانی برخی از فرمانروایان قبلی در مسند مدیریت این استان ها قرار گرفتند.

امپراتور در راس هرم قدرت، شخصیت های درباری و دولتی و غیره سعی می کردند در تمام مناسبت های بین المللی و در مجالسی که خارجی ها شرکت داشتند و یا حتی در نشست های داخلی ملبس به لباس های غربی شوند و از خوراک های اروپائی و آمریکائی تغذیه کنند. بسیاری از آن ها با بریدن کاکول روی سرشان دارای سیل و ریش شده بودند (شکل ۱) و از سیاه کردن دندان ها که در آن زمان مرسوم بوده است پرهیز می کردند (ژاپنی ها بر این باور بودند که وقتی می خندند نباید سفیدی دندان ها که نشانه خوبی برای مخاطب نداشته است دیده شود. از این بابت دندان های خود را سیاه می کردند).



شکل ۱ راست- امپراتور میجی در لباس سنتی ژاپن ، چپ- امپراتور ملبس به لباس غربی پس از تاج گذاری.

الغای گاهشمار قمری و اتخاذ گاهشمار خورشیدی در سال ۱۸۷۲ هم حرکت دیگری بود در جهت تسریع روابط بین المللی و پیوستن به جامعه جهانی. سیاست رعایت مظاهر غربی راهی برای نزدیکی بیشتر به خارجی ها و جبران گوشه گیری ها و عقب ماندگی های تاریخی بود که حتی بارها سبب برخورد تهاجمی طرف های خارجی هم شده بود. سیاست مجاز دانستن مهاجرت و زندگی و خرید ملک خارجی ها در ژاپن هم مکمل موضع متجددانه ژاپنی ها در مقابل خارجی ها بود. اما ژاپنی ها همچنان در مقابل حق کاپیتالاسیون خارجی ها که بسیار هم روی آن پافشاری می کردند مقاومت نشان می دادند. انگلستان از کشورهایی بود که سخت بر حق کاپیتالاسیون پافشاری می کرد و تا سال ۱۸۹۴ بعد از شکل گیری قانون اساسی و مجلس ملی ژاپن حاضر نشد از حق خود صرف نظر کند.

برای اولین بار در جهت عملی کردن میثاق ۵ ماده ای امپراتور در سال ۱۸۷۲ فکر تدوین قانون اساسی مطرح شد اما سطح آموزش عامه را هنوز پائین می دیدند و طرح فوری صورت اجرائی بخود نگرفت. قرار شد طرح قانون اساسی و مشروطه و مجلس ملی تا سال ۱۸۸۰ آماده شود که آماده نشد. در نهایت امپراتور با عجله افتتاح مجلس شورای ملی را در سال ۱۸۹۰ اعلام می کند. برای تهیه طرح مورد نظر شخصیت هایی از جمله هیروبومی ایتو (که بعدا نخست وزیر می شود) را به کشورهای غربی فرستادند تا روشهای آن ها را در انجام این مهم بررسی کنند و با جذب آموزش های مورد نظر به تدوین یک قانون اساسی مستقل برای ژاپن بپردازند. در میان کشورهای گوناگون اروپائی آلمان را مناسب تر یافتند.

در گوشه و کنار صداهائی در مخالفت با سیاست حکومت مبنی بر نزدیکی با خارجی ها و گشودن پای آن ها به ژاپن و همچنان تقلید از قوانین رایج در کشورهای دیگر بگوش می رسید. نمونه ای از صداهائی که نشأت از احساس "جو ای" تنفر از بیگانگان دارد از طرف دای میوی (سپهسالار) گذشته و حامیان مکتب او بصورت سرودی بیان شده است:

با این که اینجا "سرزمین خدایان" است،

امروز همچنان که در گذشته دور،

چشم مردم از رسم و راه نابخردانه بیگانه خیره شده و در ژاپن،

بی اعتنا به آموزه های کنفوسیوس، قوانینشان را از ممالک خارجی می گیرند....

آن ها خود را در موقعیت فعلی چنان می دیدند که در نهایت راهی به جز خودکشی نداشته، که راهی شایسته برای نجات مردم خود می دانستند!

یکی از اتفاقاتی که دستگاه حکومتی را بسیار نگران کرد و تلاش های بی وقفه آن ها را در نزدیکی به خارجی



شکل ۲ هیروبومی ایتو (Hirobumi Ito)

ها به خطر انداخت سوء قصد به ولیعهد روسیه پسر تزار الکساندر سوم در سال ۱۸۹۴ بود. با وجود اشتیاق وافر ولیعهد روسیه برای سفر و دیدار از شهرهای ژاپن، در دیداری مورد ضرب و جرح پاسبانی به علامت مخالفت با تصاحب ساخارین قرار می گیرد ولی خوشبختانه از خطر مرگ جان سالم بدر می برد و سبب تیرگی روابط بین دو کشور نمی شود.

در روز ۵ فوریه ۱۸۸۹ شورای رایزنان سلطنتی به ریاست هیروبومی ایتو (شخصیت مورد اعتماد و دوستداشتنی امپراتور- شکل ۲)، قانون دربار، قانون اساسی سلطنتی، قانون مجالس مقننه، قانون انتخابات مجلس نمایندگان (شورای ملی) و قانون مجلس اعیان را تصویب کرد. - «مشروطه و قانون اساسی از سوی امپراتور به ملت اعطا می شود». تاکید بر «وجود مقدس و تعرض ناپذیری» شخص امپراتور و حقوق حاکمه او نشان می دهد که این متن تا چه اندازه با

سپردن حق حاکمیت به مردم فاصله دارد. تعیین نخست وزیر و وزرا از طرف امپراتور بوده است. "قانون اساسی امپراتوری بزرگ ژاپن" در اول فوریه سال ۱۸۸۹ میلادی اعلام عمومی می شود. امپراتور حق دارد هر زمانی لازم دید مجلس را تعطیل کند.

انتخابات مجلس ملی در تاریخ ۱ ژوئیه سال ۱۸۹۰ اجرا می شود. طبق قانون انتخابات زن ها حق شرکت نداشتند و مردها هم با شرایط بسیار سخت، از جمله مالیات دهنده بودن، با حداقل سن ۲۵ سال و محدودیت به محل ایالت سکنا سبب شد که تنها ۴۵۰ هزار و ۳۶۵ مرد از میان ۴۰ میلیون جمعیت (۱/۱۴ درصد) بتوانند در انتخابات شرکت کنند. با وجود احزابی به مانند حزب آزادی خواه (جیو توه^{۱۱}) امپراتور توصیه می کرد نمایندگان مستقل بدون وابستگی به احزاب انتخاب شوند. به جهت آشفتگی در روابط نمایندگان و دولت (منصوب امپراتور) کار مجلس رونق نگرفت.

در ۱۵ فوریه ۱۸۹۲ برای بار دوم انتخابات اجرا شد اما ظاهراً نمایندگان منتخبه پیش امپراتور محبوبیت نداشتند و با دولت منصوب او سازگاری نداشتند. دولت مردان بیشتر کارها را به امپراتور واگذار می کردند تا او با دخالت راه حل نشان بدهد. زمانی که هیروبوومی ایتو پست نخست وزیری را می پذیرد از امپراتور می خواهد تا تصمیمات مهم را او اتخاذ کند و بقیه تصمیمات خود او را پذیرا شود. یک رابطه دوطرفه بین امپراتور و نخست وزیر و وزرا حکمرانی می کرده است. موجودیت امپراتور در راس هرم قدرت سیاسی، فرهنگی، آموزشی و زمینه های دیگر هستی جای بحث نداشت. برخاست این روند را هم باید در آموزش های کنفوسیوسی که معتقد سرسخت به سلسله مراتب در خانواده و اجتماع بود باید جستجو کرد. در زمینه آموزش مراکز آموزشی هم وجود امپراتور، ایده ها و دستورات او حسب الخطاب بود. در زمینه تقویت نیروی دفاعی کشور در مقابل دشمن خارجی هم امپراتور دستور فراهم آوردن تسلیحات لازم را با اختصاص بودجه از طریق کم کردن حقوق کارمندان و نمایندگان مجلس و زمانی هم از ثروت شخص خود امپراتور صادر می کرد.

پس از گذشت یک تجربه ده ساله از حکومت مشروطه سلطنتی بیش از پنج بار مجلس منحل شده و بارها هیئت دولت تغییر کرده بود. نخست وزیر و احیانا هیئت دولت انتصابی امپراتور همواره با نمایندگان انتخابی مجلس درگیری پیدا می کردند و لوایح و طرح های دولت با مخالفت های نمایندگان مواجه می شد. کم کم برای فعالین سیاسی این چنین آشکار شده بود که رژیم سیاسی نیاز به تجدیدنظر دارد. دولت حزبی ائتلافی بوسیله هیروبوومی ایتو پیشنهاد شد اما با مخالفت هائی که دیده می شد طرح ایتو در نهایت موفق نشد. مخالفان طرح ایتو همچنان سنت مشروطه سلطنتی با محوریت امپراتور را رکن اساسی فرهنگ ژاپن می شمردند. با وجود شکل گیری احزاب همچنان امپراتور در تعیین و انتصاب نخست وزیر نقش اساسی را بازی می کرد.

ژاپن با امپراتور سنتی در راس هرم تصمیمات سیاسی اما مقید به قانون اساسی با حمایت همه جانبه از سرمایه داران بزرگ و باز کردن راه ها برای آموختن از دیگر کشورهای توسعه یافته غربی توانست در دوران صدارت خود کشور را به دست آوردهای فنی صنعتی بزرگ برساند. ژاپن در عصر میجی توانست عواملی را که سبب عقب ماندگی عصر باکوفو شده بودند را از سر راه توسعه کشور بردارد. اقدامات فعالانه در جهت برقراری روابط دوطرفه با خارجی ها، آزادی عقیده و باورهای دینی و پرورش نیروی انسانی کارشناس و غیره در این عصر چشمگیر می شود. و بالاخره ژاپن ضمن منسجم کردن نظام آموزش در سطوح پائین و عالی و تقویت نیروی نظامی در دریا و زمین با اجباری کردن خدمات سربازی در ردیف کشورهای صنعتی بزرگ قرار می گیرد. اینک که از موضع اقتصادی صنعتی و نظامی می تواند جلوی هر تجاوز خارجی ایستادگی کند و با تمام قدرت از مرزهای آبی خود دفاع نماید چرا بمانند آن ها منافع بیشتری را در کشورهای همجوار دنبال نکند؟ این چنین ندهائی توسط ملی گرایان از گوشه و کنار مملکت بگوش می رسیده است. برای نمونه توجه شما را به اظهارات یکی از این ملی گرایان در زیر جلب می کنم.

11 自由党 (Jiyu-to)

در سال ۱۹۰۲ میلادی (سال ۳۵ میجی) یک دانشجوی جوان ۲۵ ساله به نام ماساجی اینووه (۱۸۷۶-۱۹۴۷) از راه ترکستان و قفقاز به ایران می آید و پس از یکسال یادداشت های خود را در کتابی منتشر می کند. اینووه در حین سفر دیده ها و تجربیات خود را طی نامه هائی با دوستانی در ژاپن به مشارکت می گذارد و نظر آن ها را نیز متعاقبا دریافت می کند. تومیژو هیرونودو (۱۸۶۱-۱۹۳۵) استاد دانشگاه توکیو و با موضعی ملی گرانه و حامی جنگ ژاپن با روسیه در جواب نامه اینووه مطالب قابل توجه ای را نگارش می کند. او در حالی که رفتار کشورهای قدرتمند اروپائی و امریکائی را در توسعه طلبی و ضمیمه کردن ممالک دیگر به لفظی پیچیده تقبیه می کند می گوید، اکنون که دولت های بزرگ به رقابت امپریالیستی برخاسته اند، میهن ما ژاپن هم می تواند وارد این رقابت شود. از این رو بر ژاپنی میهن پرست بایسته است که حقیقت احوال جهان را خوب بداند.^{۱۲}

بی جهت نیست که آرزوی هیرونودو که همانا دست اندازی ژاپن به کشورهای همجوار است شکل واقعیت می گیرد و این خود نشان از آن دارد که حامی این سیاست توسعه طلبی تنها هیرونودا نبوده است.

ژاپن در منازعات با کشورهای مجاور



شکل ۳ یوکیچی فوکوزاوا (Yukichi Fukuzawa)

۱- جنگ با چین - ژاپن و چین در رقابت برای تاثیر گذاری

بر اوضاع اجتماعی و سیاسی کره در سال ۱۸۹۴ (با اعلان جنگ در اول اوت توسط ژاپن) وارد جنگ با یکدیگر می شوند. بهانه آغازیدن این جنگ هم شورش هائی بود که فرقه مذهبی تونگ هاک در کره ایجاد کرده بود. این گروه معتقد بودند کره باید سنت های خود را حیات بخشد و از تجددخواهی غرب و ژاپن دوری کند. ژاپن حرکات

این فرقه را بر ضد منافع خود می دانست. همزمان با ارسال قوای نظامی به کره روشنفکرانی از جمله یوکیچی فوکوزاوا (تصویر او روی اسکناس ۱۰ هزار ینی - شکل ۳) از سیاست ژاپن، سوق دادن کره به اتخاذ سیاست های تجددخواهی با تقلید از روش ژاپن حمایت می کردند و به تنویر افکار عمومی مردم در این زمینه می پرداختند. ظاهرن امپراتور در ابتداء موافق این جنگ نبوده است اما هیئت دولت او را مجبور به تن دادن به این جنگ کردند (سوء استفاده از محبوبیت امپراتور در رسیدن به اطماع سیاسی خود). ژاپن با وجود نگرانی موفقیت در این جنگ بر چین پیروز می شود. پس از ده ماه جنگ توسعه طلبانه و کشتار بسیار از جمله در پورت آرتور، چین را وادار می کند تا شبه جزیره لیاوتونگ، تایوان و پسکادورس را به ژاپن واگذار کند. در نهایت فشار کشورهای آلمان، روسیه و فرانسه به ژاپن باعث شد شبه جزیره لیاوتونگ به چین بازگردانده شود. پیروزی ژاپن در جنگ با چین بر محبوبیت امپراتور در داخل و خارج می افزاید.

ژاپن پس از پیروزی در جنگ با چین طمع دخالت در کره را از دست نداد. با ارسال وزیر مختار با این کشور و دخالت او در امور داخلی کره از جمله کشتار ملکه آن سبب شد تا شاه کره از روسیه درخواست کمک بکند. ورود روسیه به ماجرا سبب جلوگیری از سیاست های یکطرفه ژاپن شد. در نهایت دو کشور روسیه و ژاپن با هم توافق کردند با همکاری یکدیگر بر اوضاع کره نظارت داشته باشند و چنانچه اوضاع کره بوفق هر دو کشور جلو رفت نیروهای خود را از آن کشور بیرون ببرند.

^{۱۲} پارگراف اخیر نقل است از کتاب «سفرنامه ایران- ماساجی اینووه، مسافر ژاپنی در ماوراء النهر، ایران و قفقاز (۱۳۲۰ه، ق. / ۱۹۰۲ م.)» ترجمه و فارسی نویسی دکتر هاشم رجب زاده.

۲- **جنگ با روسیه** - جنگ ژاپن با روسیه بر سر این که کدام کشور بر منچوری چین غالب شوند در سال ۱۹۰۴ آغاز

می شود. در سال ۱۹۰۰ برای سرکوب کردن شورش مشن زنان (بوکسورها) در چین نیروهای خارجی از جمله ژاپن و روسیه وارد چین می شوند اما پس از خاموش کردن شورش تمام کشورها از چین خارج می شوند اما روسیه همچنان در منچوری باقی می ماند. روسیه از دولت چین درخواست هائی را مطرح می کند که در صورت تحقق آن ها روسیه می تواند امور مربوط به مدیریت برنامه های اقتصادی را تحت کنترل خود در آورد و از این راه رابطه چین را با دیگر کشورها خود تعیین کند که البته این خواسته ها منافع ژاپن در این کشور را به مخاطه می انداخت. روسیه علاوه بر غلبه بر منچوری، پورت آرتور و دایرن و شبه جزیره لیاوتونگ را هم در کنترل خود داشت. ضمناً روسیه مصر بود که خط راه آهن سراسری سیبری را خود بسازد و از طرفی هم در کره نفوذ خود را افزایش می داد. ژاپن طی پیشنهادهای مکرر برای حل مناقشات با روسیه پیش قدمی کرد اما روسیه اشتیاقی برای گفتگو و اظهار نظر در باره پیشنهادهای ژاپن ارائه نمی داد. این برای مسئولین حکومتی ژاپن تحمل پذیر نبود و جو ناخوشیاندی در میان کارشناسان و حقوقدانان، سبب شده بود تا ژاپن را هر چه زودتر آماده جنگ با روسیه کند. آلمان با بیان نفرت از نژاد زرد با سیاست های تهاجمی روسیه در آسیا و خاور میانه همراهی می کرد، و انگلیس در طرف ژاپن و فرانسه وضع غامضی داشت چون هم با روسیه رابطه اقتصادی خوبی داشت و با رفتار ژاپن هم ضدیت بخرج نمی داد. آمریکا نهایتاً طرفدار ژاپن در مقابل رفتار روسیه بود. در نهایت ژاپن با پیشروی در کره با غرق کردن کشتی های جنگی روسیه عملاً در شروع جنگ پیش دستی کرد. ژاپن پس از موفقیت در جنگ دریا و زمین بر روسیه برای شروع گفتگوهای صلح با این کشور اعلان آمادگی می کند. با وساطت آمریکا ژاپن و روسیه در تاریخ ۱۰ اوت ۱۹۰۵ میلادی وارد گفتگو با روسیه می شوند و در نهایت پیمان صلح میان آن ها در ۵ سپتامبر منعقد می شود. روسیه قول می دهد که نیروهای خود را از منچوری خارج کند و در مورد وضع راه آهن منچوری هم توافق می شود، در مقابل روسیه بخش جنوبی ساخارین را به ژاپن واگذار می کند.

۳- **تحت الحمایگی کره** - ژاپن پس از شکست چین و روسیه از طرفی در خود اعتماد به نفس احساس می کند و از

طرفی عقب نشستن چین و روسیه از دخالت در امور کره و همچنین چراغ سبز آمریکا و انگلیس به ژاپن، این کشور عزم خود را برای مطیع کردن کره جزم می کند. با موافقت امپراتور، هیروبوومی ایتو به عنوان فرماندار کل به کره اعزام می شود تا اوضاع داخلی و خارجی کره را سروسامان بدهد. در مراحل اول قرار بر این می شود ژاپن معموریت کنترل روابط خارجی کره را بعهده بگیرد و اوضاع داخلی آن را به مسئولین داخلی بسپارد. اما بمرور ژاپن با دخالت در اوضاع دربار کره، پاک سازی دربار، تغییر وزرا و در نهایت تغییر حتی شاه این کشور و به مسند رساندن ولیعهد خردسال و بدون تجربه لازم به تثبیت موجودیت خود در کره می پردازد. ژاپن سعی داشت کره را بسوی تجدد خواهی که خود تجربه کرده بود سوق دهد. البته تجدد خواهی کره باید با تبعیت از الگوی ژاپن بدون دخالت و نفوذ دیگر کشورها انجام گیرد.

شاه کره در ظاهر به رفتار ژاپن در این کشور روی خوش نشان می داد اما در قلب خود بسیار ناخوشنود بود و شکایت خود را به آمریکا و یکبار هم به کنفرانس صلح لاهه می برد اما نتیجه مثبتی از این فعالیت ها دریافت نمی کند. عمده مردم و جنبش گروه «ارتش صالح» کره از سیاست های استعمارگرانه ژاپن در کشورشان خوشنود نبودند و به مقاومت در برابر آن می پرداختند.

در روز ۶ ژوئیه ۱۹۰۹ کاتسورا، نخست وزیر طرح الحاق کره به ژاپن را تقدیم امپراتور می کند که مورد موافقت قرار می گیرد. متن پیمان الحاق کره به ژاپن به همراه فرمان امپراتور در ۲۹ اوت ۱۹۱۰ میلادی منتشر می شود. در مضمون

این پیمان نامه فرماندار کل کره از طرف ژاپن تعیین می شود. نام کره به چوسن و پایتخت به دستور ژاپن تغییر می کند و تقویم آن نیز می بایست برابر تقویم ژاپن تنظیم شود. ژاپن سعی در این داشت زبان و نام و کلا هویت کره ای ها را محو کند. با وجود این که تلاش های فرمانداری کل ژاپن توسط هیروبوومی ایتو در کره سبب شد تا زیرساخت های اقتصادی این کشور بسیار پیشرفت کند، در زمینه آموزش اجباری و عالی مردم این کشور به دست آوردهای قابل توجهی نایل آیند، سیاست های ژاپن در کره در کل بوسیله فعالان مترقی جامعه، استعمارگرانه خوانده شد و بالاخره پس از ده سال ادامه سیاست های ژاپن در کره با اوج گیری جنبش های مقاومتی غیرممکن می شود و کره در نهایت به استقلال خود دست می یابد.

هیروبوومی ایتو به عنوان فرماندار کل در کره در نهایت در ۲۶ اکتبر ۱۹۰۹ بوسیله یک کره ای در خاربین چین ترور شده و درجا به قتل می رسد. نام ضارب ایتو، چُونگ-گُون یاد شده است. او فردی از خانواده اشراف کره و بسیار آدم با هوشی بوده است. گویا او هرگز با مردم ژاپن و امپراتور ضدیت نداشته است اما معتقد بوده است در حالی که امپراتور مخالف استعمار کره بوده است توسط ایتو فریب داده شده است. روس ها در چین ضارب کره ای را به ژاپن تحویل می دهند و ژاپنی ها پس از چند ماه نگهداری در زندان پورت آرتور او را اعدام می کنند.

از طرفی آمریکا و اروپا نگرانی خود را نسبت به توسعه طلبی ژاپن در تایوان و سرزمین کره و منچوری و همچنین پیمان نامه های نظامی که با انگلیس در سال ۱۹۱۱ منعقد کرد کتمان نمی کردند.

در داخل ژاپن هم آرامش کامل برقرار نبود. موج حرکت های ضد حکومت و امپراتور روبه اوج گیری بود. از جمله جنبش سوسیالیست ها که متهم به توطئه قتل میجی بودند قابل ذکر است. ۲۴ نفر در این رابطه دستگیر می شوند که با وساطت امپراتور تنها ۱۲ نفر آن ها به اعدام محکوم شدند.

نقشه ژاپن



سال	تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و صنعتی در عصر امپراتور میجی
۱۸۶۸	تاجگذاری امپراتور «میجی» - صدور نام نمادین برای عصر هر امپراتور
۱۸۶۹	۱- تغییر پایتخت از کیوتو به توکیو. برگرداندن زمین ها و رعایای خان های نظام قبلی به رژیم جدید امپراتوری. ۲- اعلام برابری چهار طبقه متمایز جامعه و ابداء افشار سه گانه وابستگان پادشاهی، زارعین و مردم عادی
۱۸۷۱	۱- الغای تقسیم بندی ۳ استان بزرگ و ۳۰۲ استان کوچک نظام قبلی و تلفیق ۳ استان و ۷۲ استان کوچک و استاندار و فرمانده، ۲- ایجاد نظام پست سراسری منسجم ۳- اعزام سیاستمداران نخبه از جمله توشی میچی اوکوبو و تومومی ایواکورا به کشورهای غرب برای مطالعه و بررسی،
۱۸۷۲	۱- صدور دستور آموزش اجباری در سطح دبستان های سراسر کشور، ۲- گشایش خط آهن میان شین باشی و یوکوها در توکیو ۳- برقراری خط تلگراف میان توکیو و اوساکا ۴- اتخاذ گاهشمار خورشیدی بجای قمری ۵- ایجاد کارگاه دولتی نخ ریسی تومواوکا ۶- نگارش کتاب «توصیه علم» توسط یوکیچی فوکوزاوا (تصویر او روی اسکناس ۱۰ هزار ینی).
۱۸۷۳	۱- صدور دستور خدمت سربازی اجباری، ۲- اصلاح مالیات زمین_ قانون پرداخت ۳ درصدی قیمت زمین بوسیله مالک. ۳- لشکرکشی به تایوان و تسخیر آن در تلافی به مرگ ۵۳ نفر ژاپنی دو سال پیش بدست بومیان تایوانی، ۴- تاکاموری سایگو (سرداری مطرح برخاسته از کاکوشیما) برای منحرف کردن نارضایتی های طبقه کشاورزان به خارج نظریه حمله به کره را مطرح می کند و به جهت مخالفت اوکوبو وزیر داخله نا امید می شود و از دولت کناره می گیرد.
۱۸۷۴	۱- تسلیم یادداشت تائیسوکه ایتاگاکي جهت تاسیس مجلس ملی و قانون اساسی کشور- بسط جنبش حقوق ملی، ۲- زخمی شدن تومومی ایواکورا در یک سوء قصد، ۳- شورش در شهر ساگا بوسیله شین په ایتو. او بعداً دستگیر و اعدام می شود.
۱۸۷۶	رخداد سه شورش بوسیله افشار زارعین قدیمی
۱۸۷۷-۸	۱- آغاز جنگ جنوب به غرب کشور بوسیله تاکاموری سایگو... سایگو در ۴۹ سالگی خودکشی می کند. ۲- صدور دستور ممنوعیت اجتماع و بیان. ۳- تاسیس اولین بانک و مرکز خرید و فروش سهام (تقلید از خارج، تامین منابع مادی توسعه اقتصادی) ۴- ترور توشی میچی اوکوبو وزیر داخله بدست سامورانی ها و انتصاب هیروبوومی ایتو به جای او.
۱۸۸۱	۱- اعلام آغاز مجلس نمایندگان در ۱۰ سال آینده توسط دولت. ۲- تاسیس حزب جیو تو (جذب آزادی) بوسیله تائیسوکه ایتاگاکي.
۱۸۸۲	تاسیس حزب ریکن کای شین «جذب اصلاحات مشروطه» توسط شیگه نوبو اوکوما.
۱۸۸۴	افتتاح ساختمان پذیرائی روکومیکان برای پذیرائی از خارجی ها که در آن نمایش رقص لباس و بالماسکه

	اجرا می شد.
۱۸۸۵	الغای نظام دولتی قبلی و تاسیس نظام هیئت دولت، و انتصاب هیروبو می ایتو به عنوان اولین نخست وزیر.
۱۸۸۶	قضیه کشتی انگلیسی نورمانتون: کشتی انگلیسی در مسیرش در واکایاما به تخت سنگی برخورد می کند و غرق می شود. سرنشینان انگلیسی کشتی نجات داده می شوند ولی ۲۵ ژاپنی و ۱۲ جاشوی هندی نجات داده نمی شوند و غرق می شوند. ناخدای این کشتی در ژاپن محاکمه می شود اما تنها به سه ماه حبس محکوم می گردد.
۱۸۸۷	برق کشتی در توکیو.
۱۸۸۹	۱- اعلام قانون اساسی مشروطه امپراتوری بزرگ ژاپن، ۲- گشایش کامل خط راه آهن توکیو - اوساکا (توکایدو)، ۳- کشف میکروب بیماری طاعون بوسیله دانشمند ژاپنی شیبا ساورو کیتاساتو (北里柴三郎)، او زمانی نامزد جایزه نوبل شد.
۱۸۹۰	۱- برگزاری اولین انتخابات مجلس نمایندگان، ۲- تشکیل جلسه اولین مجلس امپراتوری، ۳- اعلام برنامه آموزشی امپراتوری.
۱۸۹۱	۱- نگارش «دختر رفاص» توسط اوگای موری (森鷗外) - توصیف تجربه خود موری زمانی که در آلمان به تحصیل طب مشغول بوده است. ۲- سوء قصد به ولیعهد جوان روسیه، تزارویچ نیکلا بوسیله یک پاسبان در شهر اُتسو.
۱۸۹۴	۱- آغاز جنگ ژاپن و چین (تا ۱۸۹۵ ادامه دارد)، ۲- الغای حق برون مرزی (کاپیتالاسیون) با انگلیس.
۱۸۹۵	۱- پایان جنگ ژاپن و چین و انعقاد پیمان صلح در شیمونوسکی (شهر بندری در استان یاماگوچی)، ۲- مداخله سه کشور روسیه، آلمان و فرانسه: مخالفت آن ها با دست یافتن ژاپن به شبه جزیره لیائوتونگ چین و وادار کردن ژاپن به صرف نظر کردن از این شبه جزیره در سال های آینده، ۳- انتشار داستان «تاکه کورابه» توسط خانم ایچی یو هی گوجی (樋口一葉) - تصویر او روی اسکناس ۵ هزار ینی دیده می شود.
۱۸۹۷	۱- افتتاح کارخانه آهن یاهاتا (شروع به تولید در سال ۱۹۰۱)، ۲- کشف میکروب اسهال خونی توسط کیوشی شیگا (志賀潔)، ۳- انتشار داستان «شب طلایی» (金色夜叉) توسط کویوو اوزاکی (尾崎効用)، ۴- انتشار مجموعه شعر «واکاناشوو» (若菜集) توسط شاعر توسون شماساکی (島崎藤村).
۱۹۰۰	ابلاغ قانون پلیس امنیتی: ۱- سرکوب جنبش های کارگری و اجتماعی،
۱۹۰۲	اتحاد میان ژاپن و انگلیس
۱۹۰۴-۵	۱- آغاز جنگ ژاپن و روسیه، جنگ دریائی میان آن ها در دریای ژاپن، ۲- انعقاد پیمان صلح پُرتسموت با روسیه، ۳- انتشار داستان «من یک گربه هستم» (吾輩は猫である) توسط سوسیکی ناتسومه (夏目漱石).
۱۹۰۶	تاسیس شرکت سهامی راه آهن منچوری جنوبی در چین.
۱۹۰۹	تروور هیروبو می ایتو در خاربین چین بوسیله یک کره ای.

۱۹۱۰	<p>۱- استقرار فرمانده کل در کره و به انضمام در آوردن این کشور به ژاپن،</p> <p>۲- انتشار داستان «یک مشت سنگ» (砂の握一) توسط تاکویوکو ایشی کاوا (石川啄木)،</p> <p>۳- تحقق آزادی حکومت بر تدوین مالیات گمرکی اجناس خارجی.</p> <p>۴- اعدام ۱۲ نفر از ۲۴ نفر (۱۹۱۰) جنبش سوسیالیستی که متهم به توطئه قتل امپراتور بودند.</p>
۱۹۱۲	فوت امپراتور میجی و جلوس امپراتور تایشو.

نام هانی که ضخیم تحریر شده اند اشاره به اشخاص قدرتمند و پرآوازه مطرح در عصر تجددگرانی میجی دارد

منابع

۱- میجی، امپراتور ژاپن و دنیای او (۱۹۱۲-۱۸۵۲) - نوشته دونالد کین، تلخیص و ترجمه: هاشم رجب زاده،

جهان کتاب (۱۳۹۶)

2- 学校で教えてくれない日本史の授業—井澤元彦、PHP 文庫 (2013)

3- 明治天皇の世界史—六人の皇帝たちの十九世紀—倉山満、PHP 新書 1160(2018)

۴- سفرنامه ایران - ماساجی اینووه: مسافر ژاپنی در ماوراء النهر، ایران و قفقاز (۱۳۲۰ هـ - ق، ۱۹۰۲ م) -

ترجمه و فارسی نویسی دکتر هاشم رجب زاده با همکاری کینجی نه اورا - انتشارات طهوری (۱۳۹۰)

5- www.bonjin-ultra.com/nen3.htm

۲۰ دسامبر ۲۰۱۸، اوساکا